

گوگول و ولادیمیر پوتین!

سید عطاء اللہ مهاجرانی

حمله ارتش روسیه از زمین و دریا و هوا در سحرگاه روز پنجشنبه، به همه سوی اوکراین شایسته تامل جدی است. هر گوشه این واقعه پیچیدگیها و پیامدهای منطقه‌ای و جهانی دارد. آیا پوتین دست به یک قمار بزرگ زده است که نتیجه و پایان آن روشن نیست؟ به گمانم این حمله مثل یک بازی شطرنج با دقت و محاسبه پیش‌بینی شده است.

یکم: وقتی در سال ۱۳۵۴ به عنوان دانشجوی تاریخ، رمان «نفوس مرده» نوشته نیکلای گوگول (۱۸۰۹-۱۸۵۳) را با دوست روانشاد عباسعلی یوسف پوران، از زبان روسی می‌خواندیم و با ترجمه کاظم انصاری تطبیق می‌کردیم، رسیدیم به صفحه ۲۳۴ و ۲۳۵ ترجمه فارسی. قهرمان کتاب چیچکوف که دنبال «خرید نفوس» مرده است، یعنی موژیک‌هایی - کشاورزان- که مرده‌اند، اما نام و نشان‌شان در دفاتر رسمی هنوز زنده است، اظهارنظر غریبی درباره روسیه می‌کند. «روسیه من! جواب بده که تو به کجا می‌روی؟ اما تو را پاسخی نمی‌شوم. آهنگ سحرانگیزی از زنگوله‌ها برمی‌خیزد، ابرها به هزاران پاره متلاشی شده می‌گرد و چون توفان می‌وزد. هرچه روی زمین است از کنار تو پرواز می‌کند. زیرا تو از تمام جهان بیشتر می‌تازی و بر دیگران سبقت می‌جویی. عاقبت روزی تمام ملتها و دولتها از سر راه تو برمی‌خیزند و راه را به تو می‌سپارند و به تو نگاه می‌کنند.» روسیه یک بار در قالب اتحاد جماهیر شوروی، ردای کمونیسم پوشید و جهان‌خوارگی کرد. آن ردا مندرس شد و اتحاد فرو پاشید، اما روسیه باز ماند و به بازسازی سیاسی و اقتصادی خود پرداخت. این بار ردای ناسیونالیسم روسی را بر تن دارد. بدیهی است که این ردا، با فرهنگ و سنت روسی هماهنگی بیشتری دارد. تقریباً ادبیات و هنر، رمان و شعر و نمایشنامه در روسیه، هویت ملی‌گرایانه داشته و دارد. عارضه‌های رسمی که در دوران شوروی بر هنر و ادبیات تحمیل شد، اکنون فرو ریخته است. می‌خواهم بگویم، پوتین با حمله به اوکراین، از ظرفیت ناسیونالیسم افزون‌طلبانه روسی به خوبی باخبر بوده و از آن هوشمندانه استفاده کرده است. دوم: اوکراین و دیگر جمهوری‌هایی که از فروپاشی شوروی پدید آمدند، گاه جمعیت قابل توجهی از روسها در آن جمهوری‌ها زندگی می‌کنند.

این جمعیت روس، مثلاً جمعیتی حدود ۱۷ تا ۲۰ درصد جمعیت در اوکراین، ۲۵ تا ۲۷ درصد جمعیت در لیتوانی، ۸ درصد در بلاروس و... این جمعیت روس در جمهوری‌های پیشین در واقع پایگاه اجتماعی-سیاسی روسیه محسوب می‌شوند. بی‌دلیل نیست که در یورش به اوکراین شاهد بودیم ارتش روسیه از مرزهای بلاروس با همکاری ارتش بلاروس، به اوکراین یورش آورده‌اند.

سوم: اشتباه استراتژیک آمریکا و ناتو این بوده و هست که گمان کرده بودند، می‌توانند روسیه را در حلقه‌ای از جمهوری‌های سابق شوروی محاصره کنند. افزون بر آن کوشیده‌اند اوکراین را به عنوان پایگاه دیگری برای ناتو سامان و ناتو را تا مرزهای روسیه گسترش دهند.

چهارم: پس از شکست آمریکا و ناتو در افغانستان، خروج حیرتانگیز ارتش آمریکا و هم‌پیمانانش از کابل، اعتراف ژنرال میلی رییس ستاد مشترک آمریکا به شکست در افغانستان، شکست استراتژی و طرح آمریکا در تجزیه عراق و سوریه، فرصتی مناسب برای روسیه ایجاد کرد که با تکیه بر سوابق تاریخی و بازسازی امپراتوری روسیه، حمله به اوکراین را انجام دهد.

پنجم: اوکراین در واقع کلکسیوني از باارزش‌ترین منابع معدنی در اروپا و بلکه در جهان است.

مسیر خط لوله انتقال گاز روسیه به اروپاست.

حاصلخیزترین مناطق کشاورزی جهان، خاک چرنوزیوم- خاک سیاه- در این کشور قلمرو وسیعی را فرا گرفته است.

ششم: فصل زمستان و یخبندان برای حمله به اوکراین، با توجه انتخاب شده است. چنان‌که می‌دانیم، وابستگی اروپا به گاز روسیه، امری آشکار است. اکنون بهای گاز مصرفی در اروپا به بالاترین مبلغ در طول دهه‌های اخیر رسیده است. بعد از خبر حمله، قیمت بنزین به بشکه‌ای بالای ۱۰۴ دلار افزایش یافت. قیمت بنزین در لندن به لیتري يك و هفت دهم پوند رسید.

هفتم: از اظهارات بلینکن وزیر خارجه آمریکا و نیز بایدن و بوریس جانسون نخست‌وزیر انگلستان پیداست که آمریکا و انگلستان و ناتو، نمی‌خواهند وارد جنگ با روسیه شوند. نمی‌خواهند جنگ جهانی سوم آغاز شود. بوریس جانسون با تندترین کلمات به پوتین و روسیه حمله کرد اما با احتیاط گفت: «ما به اوکراین کمک نظامی می‌کنیم و برای پیروزی اوکراین دعا می‌کنیم.»

هشتم: به نظرم آمریکا و ناتو مانند ببر پیری هستند که دندان‌هایش در خاورمیانه به ویژه در افغانستان شکسته است. وقتی با صرف سه هزار میلیارد دلار و بیست سال جنگ نتوانستند حریف ملت افغانستان

شوند، چگونه می‌خواهند با روسیه بجنگند؟
نهم: و اما حمله به اوکراین، نشانه‌ای است که در جهان معاصر و مدرن، تنها باید به توانایی ملی خود متکی بود و از استطاعت قوت و قدرت خویش، به تعبیر قرآن مجید بهره برد. چنانکه در بخش یکم درنگ از نفوس مرده گوگول روایت کردم، افزون‌طلبی بخش انکارناپذیر و مشهود، هویت روسی است. این سخن را حدود ۱۷۰ سال پیش نیکلای گوگول گفته است تا ما مراقب ولادیمیر پوتین باشیم.

منبع: روزنامه اعتماد 7 اسفند 1400 خورشیدی